

در آستانه تحقیق و نشر

اسیر شهرستانی تکامل بخش سبک هندی

غلامحسین شریفی*

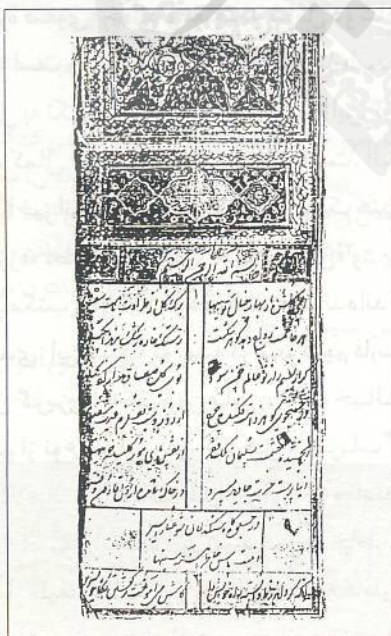
گزارش صمیمانه عوالم عشق و حالات گوناگون آن نظیر شور و شوق و امید وصال یا دلنگرانی‌های وسوسه‌گر و مایوس‌کننده بپردازد. منتقدان و محققان این شیوه را «مکتب وقوع» خوانده‌اند. شاعر این عهد به گله و شکایت تنها از معشوق اکتفا نکرده و به جای آنکه «چو دوست ناز نمود او نیاز کند»^۱ به مقابله مثل با معشوق پرداخت و در برابر بی وفایی و جفای معشوق «در پی یار دیگر»^۲ رفت و از عشق اعراض کرد. این شیوه را «واسوخت» نام داده‌اند.^۳ این شیوه‌ها و وقوع گویی و واسوخت که در قرن دهم رواج بسیار داشت، می‌تواند بازتاب بی‌ثباتی روابط اجتماعی و اوضاع نابسامان آن روزگاران باشد.^۴

با روی کار آمدن صفویان به دلایل مختلف از جمله بی‌توجهی پادشاهان صفوی به مدیحه‌سرایی و تملق‌های شاعران مداح^۵ شعر بیشتر در طبقات اصناف و ارباب حرف نفوذ و رسوخ پیدا کرد و

ای گلشن از بهار خیال تو سینه‌ها

برگ گل از طراوت نامت سفینه‌ها

هر تحول اجتماعی به دنبال یک دسته تحولات فکری و دگرگونی در مکاتب هنر و اندیشه شکل می‌گیرد و خود نیز سبب پیدایش مکاتب جدید هنری، ادبی، اجتماعی و... می‌شود. افول دولتهای مقتدر سلجوقی و خوارزمشاهی و پیدایش حکومت ایلخانی باعث تحولی عمیق در ادبیات و تغییرات بسیار در شعر و نثر فارسی شد. این تفاوتها آنقدر فراوان بود که شعر این دوره را از شعر دوره‌های پیشین کاملاً متمایز می‌ساخت. افول دولت ایلخانان و ضعف حکومت تیموری نیز موجب شد شعر فارسی بیش از پیش از محیط اشرافی دربارها دور شود و شاعر به جای پرداختن به قصاید مدحیه و یا دم زدن از عشق‌های اسطوره‌ای و بیان سوز و گدازهای مجنونانه، به



نسخه الف: ابتدای غزلیات

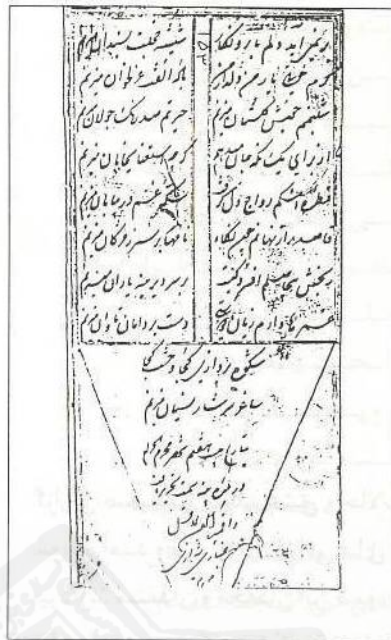


نسخه الف: ابتدای قصاید

* دکتری زبان و ادبیات فارسی، استادیار دانشگاه اصفهان



نسخه الف: پایان نسخه



نسخه الف: پایان غزلیات

کرده که عمدتاً در میان مرفهین و اشراف بودند. شاید به همین جهت است که بیشتر اشعاری که به عنوان مثل سایر در فرهنگ ما رواج دارد از گویندگان این سبک بویژه صائب است.^{۱۵} میرزا جلال الدین «اسیر» شهرستانی یکی از شاعرانی که در «سیر تکاملی سبک شعر در سدهٔ بازدهم اثر آشکار دارد... و هیچ غزل او از خیالپردازیهایی زیبا و بیتهای استادانهٔ وهم انگیز خالی نیست»^{۱۶} غزلسرای معروف این عصر^{۱۷} «میرزا جلال الدین محمد شهرستان و متخلص به اسیر» است. او فرزند میرزا مؤمن از سادات شهرستان است که «در پاکی نسب و ظهور حسب کاشمس فی نصف النهار مشهور و معروف» بوده اند.^{۱۸} اسیر ظاهراً در سال ۱۰۲۹ هـ.^{۱۹} در اصفهان زاده شده و پس از آموختن دانشهای معمول آن عهد و کسب کمالات بر «صدر مسند سخنوری» تکیه زده و «در فن شعر زبردست»^{۲۰} گشته است. او که شاعری «بلند خیال و صاف ضمیر» بوده، به «دامادی شاه عباس سرافرازی یافته»^{۲۱} است. اسیر علاوه بر مهارت در سخنوری، نقاد و شعرسنج بود و منزلش محفل ادب و مجمع شاعران و سخنوران^{۲۱}. شاعران بزرگ آن عصر از اسیر با احترام و اکرام بسیار یاد کرده اند و این نشان اهمیت اسیر و تأثیر او در سبک شعر این دوره است، از جمله صائب مکرر خود را از کسانی دانسته که از سخن میرزا جلال تتبع کرده و بر این امر نازش می کند:

خوشا کسی که چو صائب ز صاحبان سخن

تتبع سخن میرزا جلال کند^{۲۲}

کلیم کاشانی او را در بیت های زیر می ستاید:

بسیاری از مردم عامی و درس نخوانده نیز به سرودن شعر پرداختند^۶ و دنبالهٔ نام بسیاری از شعرای این عصر همچون نقاش، مذهب، شیشه گر، زرگر، قصاب، حلوائی و...^۷ نشانگر این مدعاست و شاعران بزرگ آن عصر، صائب، نظیری و شاپور تهرانی خود تاجر بودند.^۸ از آنجا که سبک شعر این دوره مشخصاً با شعر دوره های پیشین تفاوت آشکاری دارد، محققان آن را از سبکهای دیگر متمایز دانسته اند، اما در نامگذاری آن اتفاق نظر ندارند. برخی آن را «سبک هندی» خوانده اند^۹ و گروهی بدان «سبک اصفهانی» گفته اند.^{۱۰} اما جمعی بر این باورند که سبک شعر این دوره را باید «سبک دورهٔ صفوی» خواند و معتقدند شامل دو شاخهٔ «اصفهانی» و «هندی» است و بر آنند که شاخهٔ هندی با «اسیر» آغاز شده و توسط بیدل به تکامل رسیده است.^{۱۱} در باور این گروه اوج شاخهٔ اصفهانی و کمال آن در آثار صائب نمایان است. البته این نامگذاریها در دورهٔ اخیر انجام شده است و قدما از سبک هندی (اصفهانی) با نام «طرز»، «طرز نو»، «طرز خیالبندی» و... یاد کرده اند و شاعران این مکتب را «ادابند» و «خیالبند» خوانده اند.^{۱۲}

ویژگی سبک هندی: این سبک که ریشه در شعر قدیم فارسی دارد بر اساس ابتذال گریزی^{۱۳}، مضمون یابی، نازک خیالی، تصویرپردازی - آن هم از نوع تصاویر دور از ذهن و دیرپاب^{۱۳} - استفادهٔ فراوان از اصطلاحات و ترکیبات عامیانه و اسلوب معادله^{۱۴} - بویژه در شعر صائب - استوار است و این امر بیشتر به خاطر آن است که شاعران خود از طبقات اصناف و حرف بودند و مخاطبان آنها نیز طبقات عامی مردم بودند نه افراد درس خوانده و تحصیل

میرزای ما جلال الدین بس است
از سخن سنجان طلبکار سخن
راستی طبعش استاد من است

کج نهم بر فرق دستار سخن^{۲۳}

تذکره نویسان و منتقدان ادبی نامش را در ردیف «استاذة کرام»^{۲۴} سبک شعر دوره صفوی یاد کرده‌اند و استاد صفا نیز غزلیات او را «مطبوع دقیق» دانسته است^{۲۵}. دیوانش که شامل قصاید، غزلیات، مثنویها، رباعیات و تعدادی ترکیب و ترجیع و قطعه و حدود بیست هزار بیت بوده است^{۲۶}، تاکنون به طور کامل و منقح چاپ نشده است. گزیده‌ای از آن که تقریباً پنج هزار بیت دارد، در سال ۱۸۸۰ م به طریقه سَنگی در هندوستان چاپ شده است^{۲۷} و در سال ۱۳۴۸ ش آقای حبیب‌الله بی‌گناه از همین چاپ غزلها

و ابیاتی را برگزیده و در مشهد چاپ کرده است. نظر به اهمیتی که «اسیر» در تکامل سبک شعر دوره صفوی دارد و گمنامی و خمول او تصحیح دیوان او را به عنوان خدمتی به ادب فارسی و جهه همتا خویش قرار دادم و اینک به خواست و یاری پروردگار بی همتا «غزلیات اسیر شهرستانی» به شکل درخور و منقح در دست چاپ است. در پایان برای حسن ختام غزل کوتاهی از او را زینت بخش این صفحات می‌نمایم:

بسکه می‌ترسم از جداییها می‌گریزم ز آشناییها
نالہ خیز است متصل چون نی بند بند من از جداییها
تربتم را بهار آبله کرد گل باغ برهنه پاییها
عالم آینه خانه راز است هست در پرده خود نماییها
سرم از تیغ هم جدا نشود بس که می‌ترسم از جداییها

□

پی‌نوشتها:

۱. برگرفته از بیت حافظ:

میان عاشق و معشوق فرق بسیار است
چو دوست ناز نماید شما نیاز کنید

۲. وحش بافقی در ترکیب‌بند زیبایش: «دوستان شرح پریشانی من گوش کنید...» پس از شرح مراحل مختلف عاشقی و دلدادگی خود و نامهربانی معشوق سرانجام تصمیم می‌گیرد از این معشوق نامهربان و عشق او دست شسته و می‌گوید:

چون چنین است پی یار دگر باشم به
چند روزی پی دلدار دگر باشم به...

۳. گلچین معانی، احمد، مکتب وقوع در شعر فارسی، ص ۳ به بعد (مقدمه).

۴. زرین کوب، عبدالحسین، از گذشته ادبی ایران، ص ۳۸۲ به بعد.

۵. زرین کوب، عبدالحسین، نقد ادبی، ص ۲۵۵.

۶. شبلی نعمانی، شعرالعجم، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، ج ۳، صص ۱۵-۱۴، نقد ادبی، ص ۲۵۵.

۷. میرزا طاهر نصرآبادی، تذکره نصرآبادی، تصحیح وحید دستگردی.

۸. نقد ادبی، صص ۷-۲۵۶

۹. البته این گروه برای این نامگذاری دلایل مختلفی

- دارند، از جمله برخی از آنها معتقدند این نامگذاری موجب پیوند میان ایران و هند است.
۱۰. مانند: امیری فیروز کوهی (نک مقدمه دیوان صائب)، دکتر ذبیح الله صفا (نک تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵، صص ۵۰-۵۳۲) محمد قهرمان (نک مجموعه رنگین گل) و استاد محمدعلی صاعد رئیس انجمن ادبی صائب اصفهان (نک مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره دوم، شماره‌های ۵ و ۴)
۱۱. از جمله آقای دکتر شفیعی کدکنی بر این باورند و حق هم همین است.
۱۲. نک. تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح الله صفا، ج ۵، نیز نک مقدمه دیوان اسیر شهرستانی، تصحیح نگارنده.
۱۳. شفیعی کدکنی، محمدرضا، شاعر آینه‌ها، ص ۱۶۰.
۱۴. شفیعی کدکنی، محمدرضا، صور خیال در شعر فارسی، صص ۵-۸۴.
۱۵. نک. دهخدا، علی اکبر، امثال و حکم فارسی.
۱۶. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۲، صص ۵-۱۲۱۲.
۱۷. زرین کوب، عبدالحسین، سیری در شعر فارسی، ص ۱۳۵.
۱۸. تذکره نصرآبادی، ص ۹۵.
۱۹. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۲، صص ۵-۱۲۱۲، سال فوت اسیر مورد اختلاف است. استاد صفا به نقل از منابع مورد استفاده خود ۱۰۴۹ هـ. نوشته و این تاریخ شهرت بیشتر دارد ولی شاملو در قصص الخاقانی ۱۰۵۹ هـ. ضبط کرده است که درستتر به نظر می‌رسد. نک: دیوان اسیر شهرستانی، تصحیح نگارنده، مقدمه.
۲۰. شاملو، ولی قلی بیگ، قصص الخاقانی، تصحیح مرحوم دکتر حسن سادات ناصری، ج ۲، ص ۶۷.
۲۱. تذکره نصرآبادی، ص ۳۲۸.
۲۲. دیوان صائب، تصحیح محمد قهرمان، ج ۴، ص ۱۸۹۶.
۲۳. دیوان کلیم همدانی، تصحیح محمد قهرمان، ص ۵۲۹.
۲۴. نک. شفیعی کدکنی، محمدرضا، شاعری در هجوم منتقدان، مقدمه.
۲۵. صفا، ذبیح الله، گنج سخن، ج ۳، ص ۱۳۵.
۲۶. تذکره نصرآبادی، صص ۶-۹۵.
۲۷. تاریخ ادبیات در ایران، ج ۵/۲، ص ۱۲۱۴.
- * یا به تعبیر مرحوم اخوان ثالث «شاه موجی در اوج»
ر.ک: حریم سایه‌های سبز.